

کارکردهای تقوا در خانواده از دیدگاه قرآن

_____ صدیقه موسوی^۱ - علی اکبر خدّامیان دانش‌پژوه^۲ - دکتر باکویی^۳ _____

چکیده

تقوا به عنوان یکی از فضایل ارزشمند انسانی که آثار و برکات دنیوی و اخروی فراوانی دارد، در آیات متعددی از قرآن مورد توصیه قرار گرفته است. از جمله این موارد، سفارش تقوا در آیات مربوط به مباحث خانواده است. اگرچه در تمام مواردی که تشویق یا امر به تقوا صورت گرفته است، معنای مطلق آن مورد نظر می‌باشد، لیکن دقت در آیات به این نکته رهنمون می‌شود که علاوه بر این اطلاق، در هر موردی متناسب با موضوع، مصادیق خاصی از تقوا مد نظر است.

در این نوشتار، مصادیق تقوا در خانواده در مواردی همچون روابط زناشویی و پرورش فرزند، مسائل مربوط به امر شیردهی کودک، ناسازگاری و ایجاد تنش در محیط خانواده، وقوع طلاق و جدایی همسران، مسائل مربوط به دوران عدّه طلاق و چندهمسری مردان، با توجه به سیاق آیات و دیدگاه مفسران، تعیین شده که نشانگر تفاوت رفتارهای پرهیزکارانه در شرایط و مقتضیات مختلف است.

کلیدواژه‌ها: تقوای خانواده، قرآن، روابط خانوادگی، طلاق، عدّه، چندهمسری.

مقدمه

یکی از اموری که در متون دینی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و علاوه بر آثار فراوانی

۱. نویسنده مسئول دانشجوی دکتری دانشگاه کاشان aseyedhamidreza@yahoo.com

۲. سطح چهار حوزه.

۳. استادیار دانشکده تفسیر و علوم قرآنی قم: bakouei2011@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۴.

که در زندگی اخروی بشر داشته، یگانه راه نجات از شقاوت ابدی است، و در زندگی دنیوی انسان هم دارای ارزش فراوانی می‌باشد، تقواست. تتبع در قرآن و روایات نشان می‌دهد که واژه تقوا و مشتقات آن فراوان مورد استفاده قرار گرفته و در بعضی از موارد آثار آن نیز بیان شده است. (تقوا در هر مرتبه‌ای از ایمان وجود دارد که البته مراتب بالای ایمان، درجات بالای تقوا را می‌طلبد).

از طرفی خانواده، اصلی‌ترین نهاد اجتماعی بوده و اسلام به عنوان یک مکتب انسان‌ساز، بیشترین توجه را به آن داشته و این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد که نیک‌بختی و بدبختی یک جامعه، به صلاح و فساد آن بستگی دارد. با این دو مقدمه می‌توان دریافت که رعایت تقوا، در نهادی چنین مقدس، تا چه میزان مورد اهمیت و نیاز یک جامعه بوده، می‌تواند اصلی‌ترین راه برون‌رفت از مشکلاتی باشد که امروزه به صورت جدی، خانواده را تهدید می‌کند. از این رو، این نوشتار در پی آن است که آیاتی را که مربوط به روابط خانوادگی بوده و بحث تقوا در آن مطرح شده، مورد مذاقه قرار داده، نکات تربیتی آن را با توجه به سیاق و استفاده از نظر مفسران، مورد بحث قرار دهد.

تأمل در کاربردهای این واژه، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا در موارد مختلفی که این کلمه به کار رفته، باید تنها به اطلاق آن اکتفا کرد؟ (بنابراین، در تمامی موارد مصادیق یکسانی مد نظر خداوند متعال است) یا با توجه به سیاق و موضوع مورد بحث، هر موردی اقتضای مصادیق خاصی از رعایت تقوا را دربردارد؟

هدف نویسنده از این بحث، معرفی رفتارهای پرهیزکارانه در این واحد بنیادی جامعه است تا وظیفه الهی همه افراد خانواده، در موقعیت‌های گوناگونی که در این نهاد مقدس پیدا می‌کنند، آشکار شده، قدمی هر چند کوچک، در بهبود روابط خانوادگی برداشته شود.

پیشینه موضوع

هرچند در مورد تقوا، آثار و نشانه‌های آن و مواردی شبیه به این، پژوهش‌های متعددی وجود دارد، لیکن بررسی‌های انجام شده نشان داد، مقاله مستقلی که به بحث مصادیق خاص تقوا از زاویه تکالیف خانوادگی پرداخته باشد، وجود ندارد.

واژه‌شناسی

تقوا از ریشه «وقی» است که مصدر آن «وَقَايَةٌ» به معنای حفظ شیء از چیزی است که زیان و ضرر می‌رساند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۱). جرجانی می‌گوید: نزد اهل حقیقت، تقوا به معنای پرهیز از عقوبت الهی به وسیله اطاعت از پروردگار است و در واقع، حفظ نفس از چیزی است که فعل یا ترک آن، انسان را مستحق کیفر الهی می‌کند. تقوا در مورد طاعت الهی، به معنای اخلاص، و در معصیت، منظور ترک و پرهیز است. (جرجانی، ۱۴۰۳: ۶۵).

در کشف آمده است: تقوا لغتی است که نفس را در محافظت آنچه از آن می‌ترسد، قرار می‌دهد. این کلمه در شرع به معنای انجام اوامر الهی و دوری از نواهی و به عبارت دیگر، حفظ نفس از آلودگی‌ها و چیزهایی است که به آن می‌انجامد. (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱/۵۰۱). در فرهنگ قرآن کریم، متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود، ملکه‌ای نفسانی فراهم می‌سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و آسیب‌های بیرونی (شیطان) مصون دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲/۱۳۳).

شاید بتوان معنای اصطلاحی تقوا را از این سخن زیبای امام صادق علیه السلام دریافت که در تفسیر آن فرمود: «أَنْ لَا يُقَدِّدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمْرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷/۲۸۵). «تقوا؛ یعنی آنجا که خداوند دستور داده حاضر باشی، تورا غایب نبیند و آنجا که نهی کرده، تورا مشاهده نکند».

آیات تقوای خانوادگی

قرآن کریم در هشت آیه از آیاتی که مربوط به مباحث خانواده است، پس از بیان احکام یا توصیه‌های لازم، به نوعی وارد بحث تقوا شده و به صورت فعل امر یا بیان شرط، به آن سفارش فرموده است. نکته قابل توجه این است که آمیزه‌ای از مسائل حقوقی و اخلاقی در این آیات وجود دارد که الهام‌بخش این نکته می‌تواند باشد که در روابط خانوادگی، احکام حقوقی به تنهایی راه‌گشا نیست. این آیات عبارت‌اند از:

۱- رعایت تقوا در روابط زناشویی

«سَأَوْكُم حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره/۲۲۳). «زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آن‌ها آمیزش کنید. و (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳)

مصادیق تقوا در آیه شریفه

الف- عدم تعدی از حدود الهی در رابطه زناشویی

علامه می‌فرماید: تقوا در اینجا در خصوص نزدیکی با حرث است و اینکه نباید تعدی از حدود الهی و کوتاهی در مورد امر خدا صورت گرفته، محارم الهی هتک شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/۲۱۴) فخر رازی مصداق تقوا را در آیه شریفه، پرهیز از رابطه جنسی در حال حیض و هر حالت دیگری که مجاز نیست، می‌داند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱/۳۲۳).

ب - بازیچه قرار ندادن زنان

در این آیه، زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند، و این تشبیه ممکن است برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام درباره نیمی از نوع بشر چنین تعبیری کرده، در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته شده. در حقیقت، قرآن می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی نشان دهد که زن وسیله اطفای شهوت و هوس رانی مردان نیست، بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر. این سخن در برابر آن‌ها که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوس بازی می‌نگرند، هشدار می‌محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲/۱۴۱ و نک: قرشی، ۱۳۷۷: ۱/۴۱۲).

ج - بهره‌گیری از روابط زناشویی، وسیله‌ای برای تربیت فرزندان شایسته

هدف نهایی از آمیزش جنسی، لذت و کام‌جویی نیست، بلکه باید از این موضوع،

برای ایجاد و پرورش فرزندان شایسته استفاده کرد و آن را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای قیامت از پیش فرستاد. این سخن هشدار می‌دهد که باید در انتخاب همسر، اصولی را رعایت کنید که به این نتیجه مهم؛ یعنی تربیت فرزندان صالح و نسل شایسته انسانی منتهی شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲/ ۱۴۲). در تفسیر انوار درخشان آمده است: «از توصیه به تقوا و یادآوری روز رستاخیز در آیه شریفه استفاده می‌شود که اجتناب از گناهان عموماً و رعایت طهر و پاکیزگی زنان در هنگام مباشرت خصوصاً، در سعادت و سرنوشت فرزندان، اثری قابل ملاحظه دارد». (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۱۹) البته خواست خداوند به بقای بشر برای ظهور توحید در عالم و عبادتش به وسیله گسترش تقوای عمومی است. پس تولید نسل، به خودی خود مطلوب نیست و هدف از آن، باقی ماندن ذکر خداوند با وجود افراد صالحی است که با انجام عمل نیک، به خود و پدران صالحشان خیر می‌رسانند. (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۱۴).

د - مدیریت درست خانواده در همه ابعاد

علامه جوادی معتقد است: اگرچه تقوا در سیاق آیه مورد بحث مطلق است، بی‌گمان آن تقوای خانوادگی است؛ یعنی ذیل آیه مطلق و همه شئون تقوا را دربر می‌گیرد، ولی در امور خانوادگی صریح است و در غیر آن ظاهر. پس انسان‌ها باید در امور مربوط به خانواده، تشکیل آن، برقراری رابطه زن و شوهر، مدیریت خانواده، مراقبت از فرزندان و پرورش آنان تقوا را پاس بدارند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۱/ ۱۹۴).

۲- رعایت تقوا در مسائل مربوط به شیردهی کودک

یکی دیگر از موضوع‌های مربوط به خانواده، مسئله رضاع و احکام مربوط به آن است که رعایت مصلحت فرزند و پیش‌گیری از آسیب‌های احتمالی نسبت به او، در گرو رعایت آن می‌باشد.

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ

بَوْلِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلَ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَ فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۲۳۳) «مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیردادن پردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر و بروراث او نیز لازم است، این کار را انجام دهد [هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آن ها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته پردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می دهید، بیناست».

این آیه شریفه در ادامه بحث های مربوط به مسائل ازدواج و زناشویی به سراغ مسئله مهم رضاع (شیردهی) رفته، با تعبیراتی کوتاه و فشرده به بیان جزئیات آن می پردازد. ابتدا به حق شیردهی مادر نسبت به فرزندش اشاره می کند که اگرچه ظاهر جمله مطلق است و شامل زنان مطلقه و غیر مطلقه می شود، ولی جمله های بعد نشان می دهد که این آیه به زنان مطلقه نظر دارد، هر چند مادران دیگر نیز از چنین حقی برخوردارند؛ اما در صورت نبودن جدایی و طلاق، عملاً اثر ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲/۱۸۶).

مصادیق تقوا در آیه شریفه

الف- رعایت حق حضانت و نگاه داری و شیردادن برای مادر در دو سال اول.

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ﴾

ب- پدر و مادر نباید فرزند را وسیله از بین رفتن حقوق یکدیگر قرار دهند. ﴿لَا تُضَارَّ

وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهِ﴾

ج- پدر- حتی پس از طلاق دادن همسر- نباید با امتناع از تأمین مخارج او، موجب ضرر فرزند شود. ﴿عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾.

د- لزوم تلاش وارثان برای حفظ و تغذیه کودک یتیم و دوری از آسیب‌رسانی به او. ﴿وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلَ ذَلِكَ﴾.

ه- پرداخت کامل حقوق متعارف مادر، شرط جواز دایه گرفتن برای کودک. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۲ / ۱۲۰-۱۲۳) ﴿مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ﴾.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، هریک از پدر و مادر و حتی وارث پدر، مأمور به انجام تکالیفی شده‌اند که به خصوص در شرایطی که زن و شوهر به اختلاف افتاده‌اند، زمینه لغزش و عدم انجام آن‌ها برایشان فراهم بوده که در صورت ترک این وظایف، علاوه بر همسران، بیشترین آسیب متوجه کودک می‌شود. از این‌رو، پس از توصیه‌هایی که به هریک از زن و مرد نموده است، آن‌ها را به تقوا امر نموده که با توجه به سیاق آن، می‌توان دریافت که انجام تمامی این تکالیف و پرهیز از هرگونه عملی که باعث آسیب به هریک از دو همسراز جانب دیگری شده و یا به کودک آسیب می‌رساند، از مصادیق تقوای الهی به شمار می‌آید.

نکته لطیفی که از مقایسه آیه مبارکه ۲۲۳ و ۲۳۳ سوره بقره به دست می‌آید، این است که در آیه اول، پس از امر به تقوا، به صفت خبیر بودن خداوند اشاره نموده و در آیه دوم بصیر بودن خداوند را بیان کرده است. شاید علت تفاوت دو تعبیر این باشد که در آیه مورد بحث، رعایت تقوا مربوط به صورت ظاهری اعمال است و با اصلاح ظاهر، تقوا محقق می‌شود؛ بنابراین در ادامه می‌فرماید: بدانید خداوند به آنچه انجام می‌دهید، داناست. ولی در آیه ۲۳۱ که در مورد نهی از ضرر رساندن است، چون اضرار به گونه‌ای است که می‌تواند از ظاهر عمل تجاوز کرده، به نیت سرایت نموده، منجر به دشمنی‌هایی شود که اثر آن بعدها ظاهر شود، از لفظ علیم استفاده کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۴۲). برخی از مفسران معتقدند که امر به تقوا و سپس تذکره بصیر بودن خداوند، به منظور تهدید به مجازات کسی است که خلاف آن چیزهایی عمل می‌کند که خداوند

فرمان به آن داده. (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲ / ۵۱۲).

۳- رعایت تقوا در هنگام بروز تنش و ناسازگاری در خانواده

از موارد مهمی که در قرآن کریم، در مباحث مربوط به خانواده مطرح شده است، توصیه‌هایی است که در زمان بروز درگیری و تنش بین همسران، می‌تواند راهگشا بوده، مانع از هم‌پاشیدگی کانون خانواده شود. این توصیه‌ها نشانگر آن است که اسلام در پی آن است که تا حد امکان، محیط خانواده از هم نپاشد.

«وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء/ ۱۲۸) «و اگر زنی از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (وزن یا مرد از پاره‌ای از حقوق به خاطر صلح صرف نظر کنند) و صلح بهتر است، اگر چه مردم (طبق غریزه حب ذات در این‌گونه موارد) بخل می‌ورزند، و اگر نیکی کنید و پرهیزکاری پیشه سازید (و به خاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (و پاداش شایسته به شما خواهد داد)».

مصادیق تقوا در آیه شریفه

الف- جلوگیری از فروپاشی کانون خانواده با گذشت از برخی حقوق شخصی

مراد از نشوز، اعمال زور و منظور از اعراض، عدم توجه و بی‌میلی است. اگر زن نشانه‌های این دو را در مرد احساس کند، مانعی نیست با گذشت بعضی از حقوق خود، با مرد مصالحه کند و از نشوز و اعراض او جلوگیری کند. (قرشی، ۱۳۷۲: ۴۶۱) اگرچه در نظام خانواده، زن و مرد، حقوق متقابلی دارند که مکلف به رعایت آن‌ها هستند، اما گذشت از حقوقی مثل حق قسم، مضاجعه، نفقه، کسوه و مسکن و مانند آن و گذشت اخلاقی از بی‌مهری و اعراض و سکوت شوهر و مانند آن، همگی برای حفظ شیرازه خانواده بوده و از اصالت برخوردار است. (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱ / ۵۰ و نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۱۸۴ و نک: ابوحیان، ۱۴۲۰: ۴ / ۸۶).

این توصیه قرآن به درستی نقطه مقابل اصل اصالت لذت است که معیار درستی یا نادرستی یک عمل را میزان لذت شخص از آن می‌داند؛ یعنی گاه لازم است انسان برای مصالح بالاتر، از برخی امیال خویش چشم پوشد. به عبارت دیگر، در جهان بینی اسلامی، این سعادت‌گرایی است که اصالت دارد.

ب - حل و فصل مسائل خانوادگی، به وسیله زن و شوهر و پرهیز از اشاعه آن به بیرون خانه

از اینکه فعل «يُصْلِحًا» به خود زن و شوهر نسبت داده شده و همچنین از تعبیر «بَيْنَهُمَا» استفاده می‌شود که حل و فصل مسائل خانوادگی میان خود همسران، بهتر از مطرح کردن آن نزد دیگران است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۴ / ۵۹).

ج - تلاش برای صلح قبل از نزاع

صلح، گاهی بعد از وقوع نزاع و گاه قبل آن است. البته صلح قبل از نزاع، کارآمدتر است. صلح توصیه شده در این آیه شریفه نیز صلح قبل از نزاع است؛ زیرا صرف خوف از نشوز و هراس از اعراض، مجوز برقراری پیمان صلح، اعلام شد. بدین معنا که بکوشید حادثه تلخ نزاع رخ ندهد؛ چون دفع هر ضرری آسان‌تر از رفع آن است؛ به ویژه در امور خانوادگی که از حساسیت بیشتری برخوردار است. تأکید به صلح با تأکیدهای مکرر ادبی، نشانه اهتمام اسلام به آن است؛ زیرا در این جمله اولاً، کلمه «صلحاً» به معنای مفعول مطلق تأکیدی آمده است؛ ثانیاً، با آنکه می‌توانست به آوردن ضمیر اکتفا کند، با آوردن «الصلح خیر» این کلمه را تکرار کرد؛ ثالثاً، با کلمه خیر که مصدر یا صفت مشبیه است، از آن خبر داده شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱ / ۵۵ و ۵۶).

د - پرهیز از بخل در چشم‌پوشی از برخی حقوق

با توجه به اینکه موضوع آیه، ناسازگاری مرد است، از این رو، خداوند متان در پایان آیه به نصیحت مردان پرداخته، آنان را به احسان و تقوا سفارش می‌کند. شایان یادآوری است، اگرچه فرمان تقوا فراگیر است، ولی به قرینه «أَحْضَرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ» می‌توان دریافت که مصداق ویژه‌ای از آن مورد نظر است. در توضیح می‌توان گفت که انسان ذاتاً

حَبِّ نَفْسِ دَارِدٍ وَبِهِ شِدَّةٌ بِخُودٍ وَمَنَافِعُشْ، علاقه‌مند است و به سلاقی و باورهای خود تعصب می‌ورزد؛ این حالت را «شَحْ» می‌نامند که از آثار آن، بخل همراه با حرص به صورت عادت است که به شکل جامع آن، تنها به مال اختصاص نداشته، بلکه شامل مناصب و حقوق و از جمله حقوق زن و شوهر نیز می‌شود. البته خداوند حکیم آن را به جهت مصلحتی در وجود انسان قرار داده و آن عبارت از جلب منفعت و دفع مفسده است که بدون آن، ادامه حیات انسان غیرممکن است.

آنچه در این میان اهمیت دارد، تعدیل این نیروی سودمند، براساس رهنمود عقل و نقل مستفاد از وحی است. با این توضیحات می‌توان دریافت، فرمان تقوا در این آیه شریفه توجه به این معناست که درون جانتان دشمن مسلحی به نام خودخواهی سنگر گرفته است، پس شما نیز با سلاح تقوا به نبرد او روید و با خلع سلاح وی، خود، سنگردار شوید. (همان: ۵۷ و ۵۸).

در مورد مخاطبِ جمله «وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا...» بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد. علامه می‌فرماید: این جمله مردان را موعظه می‌کند که از راه احسان و تقوا تجاوز نکرده و بدانند خداوند به اعمال آن‌ها آگاه است. پس در معاشرت با زنان، به آن ستم نکرده، آنان را به چشم پوشی از حقوق خود، مجبور نسازند، اگرچه خود آنان چنین اختیاری دارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۱۰۱ و نک: نمونه، ۱۳۷۴: ۴ / ۱۷۲ و نک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۷۱).

برخی دیگر معتقدند، خداوند با بیان این جمله، از هر یک از زن و شوهر می‌خواهد که با دیگری خوش رفتاری کند و از عوامل اختلاف‌انگیز بپرهیزد. (مغنیه، ۱۳۷۸: ۲ / ۷۱۳) برخی نیز سه احتمال در مورد مخاطب «تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا» داده‌اند:

۱- آیه مردان را خطاب قرار داده که اگر با وجود کراهت از همسران، کنارشان بمانید، اگرچه یقین به نشوز و اعراض و آنچه موجب آزار و خصومت است داشته باشید، خداوند نسبت به این احسان و تقوای شما آگاه است.

۲- خطاب به بانوان بوده و مقصود این است که اگر هر یک از شما به همسران نیکی

کرده از ظلم بهره‌ییزید، خداوند از آن آگاه است.

۳- خطاب به دیگران است که اگر در هنگام تلاش برای مصالحه میان همسران، به نیکی عمل کرده، از متمایل شدن به یک طرف بهره‌ییزید، خداوند نسبت به این عمل آگاه است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۱/ ۲۳۷).

اگرچه احتمال‌های این مفسر در مورد مخاطبان ذیل آیه، چندان با سیاق آیه هم - خوانی نداشته، قابل نقد است؛ ولی اگر به عنوان احتمال نیز به آن نگریسته شود، روشن می‌شود که مصادیق رعایت تقوا، در این سه دسته متفاوت است؛ یعنی اگر مخاطب، مردان باشند، مصادیق تقوا تحمل و چشم‌پوشی از خطای همسر و بی‌توجهی به خواسته نفس در جدایی از آن‌هاست. اگر زن‌ها مورد این خطاب باشند (البته مختص بانوان با توجه به ضمیر مذکر نمی‌تواند باشد، مگر اعم در نظر بگیریم که شامل زوجین شود) مصادیق تقوا می‌تواند گذشتن از پاره‌ای از حقوق و عدم تلافی باشد؛ چنانچه مخاطب، اطرافیان این دو همسر باشند، رعایت تقوا از سوی آنان با بی‌طرفی در داوری میان آن دو و عدم جانب‌داری از یک فرد، بدون هیچ دلیل منطقی، محقق خواهد شد.

۴- رعایت تقوا بعد از وقوع طلاق

بدون شک هنگامی که اختلاف بین زن و شوهر به مرحله‌ای برسد که آن‌ها تصمیم به جدایی بگیرند، به دلیل ایجاد کدورت و جریحه دار شدن عواطف و احساسات، زمینه برای دخالت هواهای نفسانی و افکار شیطانی در تصمیم‌گیری‌ها، فراهم بوده و احتمال عدم رعایت حقوق همسران نسبت به هم، بسیار جدی است. بنابراین، در این آیه شریفه ضمن بیان احکام مربوط به طلاق، نسبت به رعایت تقوا نیز امر شده است.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق ۱/ «ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عده آن‌ها را طلاق گوئید (زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند) و حساب عده را نگه دارید، و از

خدایی که پروردگار شماسست، بپرهیزید، نه شما آن‌ها را از خانه‌هایشان بیرون کنید، و نه آن‌ها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند، این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند، به خویشتن ستم کرده. تونمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند.».

مصادیق تقوا در آیه شریفه

با توجه به آنچه مفسران ذیل آیه شریفه آورده‌اند، شاید بتوان گفت، در مورد مصادیق تقوا در این آیه شریفه، دو دیدگاه وجود دارد. برخی همچون علامه، اجرای توصیه‌هایی را که پس از امر به تقوا آمده است، مصداق رعایت تقوا در فرایند طلاق می‌دانند، لیکن براساس نظر برخی دیگر که در ادامه به آن اشاره می‌شود، دقت در عمل به تمامی دستورهای که درباره طلاق در آیه شریفه آمده، از مصادیق رعایت تقوا محسوب می‌شود. مصادیقی که در ذیل به چشم می‌خورد، براساس مبنای گروه دوم است.

الف - لزوم اجرای صیغه طلاق در شرایط تعیین شده

نخستین حکمی که مورد اشاره آیه شریفه قرار گرفته، این است که طلاق، در زمان پاکی زن از حیض که رابطه جنسی در آن صورت نگرفته باشد، انجام گیرد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۴۵۶). طبق آیه ۲۲۸ سوره بقره، عدّه طلاق باید به مقدار «ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» (سه بار پاک شدن) بوده باشد، و در اینجا تأکید می‌کند که طلاق باید با آغاز عدّه همراه گردد، و این تنها در صورتی ممکن است که طلاق در حال پاکی بدون آمیزش تحقق یابد؛ چراکه اگر طلاق در حال حیض واقع شود، آغاز زمان عدّه از آغاز طلاق جدا شده، شروع عدّه، بعد از پاک شدن خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴/۲۲۰).

ب- لزوم نگه‌داری عدّه طلاق و شمارش دقیق آن

منظور از نگه‌داری حساب عدّه این است که عدد حیض و پاک شدن را که ملاک عدّه می‌باشد، نگه‌دارید؛ یعنی ابتدا و انتهای عدّه را بدانید؛ چراکه در این دوران زوج و زوجه حقوقی دارند که باید مراعات شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۳۱۲)

نکته: اینکه مخاطب نگه‌داری حساب عده، مردان‌اند، برای آنکه حق نفقه و مسکن بر عهده آن‌هاست و همچنین حق رجوع نیز برای آنان می‌باشد، وگرنه زنان نیز موظف‌اند که برای روشن شدن تکلیف‌شان حساب عده را دقیقاً نگه‌دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴/۲۲۱).

شاید بتوان این‌گونه برداشت کرد که به دلیل اینکه در این ایام، زن و مرد از طرفی مکلف به رعایت حقوق یکدیگر بوده و از طرف دیگر رابطه محبت‌آمیز بین آن‌ها از بین رفته، رعایت این حقوق برای آن‌ها سنگین به نظر رسیده، تمایل به شانه خالی کردن از آن وجود داشته باشد. بنابراین، جا دارد به آن‌ها هشدار داده شود که هوای نفس، مانع عمل به تکلیف‌شان نگردد.

برخی مفسران معتقدند، منظور از رعایت تقوا این است که در ضبط دوران عده سُستی یا تطویل ننمایید؛ به این شکل که رجوع کرده، مجدداً طلاق دهید و دوباره رجوع کنید تا با این کار، زنان را مورد آزار قرار دهید. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳/۲۰۶).

ابن عاشور در این باره آورده است: جمله «اتَّقُوا اللَّهَ رَبِّكُمْ» معترضه بوده و منظور از توصیه به تقوا، برحذر داشتن از تسامح در احکام طلاق و عده است. علت این توصیه آن است که در جاهلیت ارزشی برای زنان قایل نبودند و نزدیکان آنان نیز بیشتر حمایتی از آنان نمی‌کردند. از این رو، مردم این حقوق را فراموش کرده، از آن چشم می‌پوشیدند. به همین رو، آیه با لحن تند به آنان اخطار داده و از این حقوق، تعبیر به تقوا و حدود الهی کرده است. نکته دیگر اینکه برای افزایش انگیزه رعایت تقوا، به دنبال لفظ جلاله، از تعبیر «رَبِّكُمْ» استفاده کرده تا این مطلب را متذکر شود که شایسته است پروا از غضب او صورت گیرد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۸/۲۶۸)؛ یعنی ربوبیت الهی نسبت به شما اقتضای این را دارد که برای رسیدن به کمال، به این امور توجه کنید.

ج - عدم جواز تغییر محل سکونت زنان در زمان عده توسط مرد

علامه می‌فرماید: جمله «لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بَيْتِهِنَّ» بدل از جمله «وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبِّكُمْ» بوده که مفید تأکید نهی از بیرون نکردن زنان، در دوران عده است. تعبیر به «بیتِهِنَّ» با وجود

اینکه خانه متعلق به شوهر است، نیز نشان می‌دهد که منظور خانه‌ای است که قبل از طلاق در آن سکنا داشتند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/ ۳۱۲ و نک: ابوحنیفان، ۱۴۲۰: ۱۰/ ۱۹۷).

د- عدم ترک منزل در دوران عده توسط زن

در ادامه، به زنان نیز امر فرموده که آنان نباید در این دوران خانه همسر را ترک کرده، در جای دیگری مسکن بگیرند. (مگر در شرایط خاصی که در آیه به عنوان استثنا بیان شده است). (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/ ۴۵۸ و طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/ ۳۱۳). با توجه به شرایط حاکم بر فضای خانواده در هنگام اختلاف، رعایت این دستور نیز نیازمند پروای الهی است؛ چراکه هر یک از زن یا شوهر ممکن است تمایلی به بودن در یک خانه مشترک، نداشته باشند.

گرچه بسیاری از بی‌خبران، هیچ‌گاه این حکم اسلامی را به هنگام طلاق اجرا نکرده، به محض جاری شدن صیغه طلاق، هم مرد به خود اجازه می‌دهد که زن را بیرون کند و هم زن خود را آزاد می‌پندارد که از خانه شوهر خارج شود و به خانه بستگان بازگردد، ولی این حکم اسلامی، فلسفه بسیار مهمی دارد؛ چراکه افزون بر حفظ احترام زن، بیشتر زمینه را برای بازگشت شوهر از طلاق و تحکیم پیوند زناشویی فراهم می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴/ ۲۲۲).

۵- رعایت تقوا برای تصمیم‌گیری در روزهای پایانی عده

دو آیه دیگری که در آن به تقوا امر شده، مربوط به تصمیم‌گیری مرد در مورد نگه داشتن یا رها کردن همسرش در دوران عده طلاق است.

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لِيَتَّعِدُوا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۳۱) «و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای عده رسیدند، یا به طرز صحیحی آن‌ها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده‌ای آن‌ها را رها سازید! و هیچ‌گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آن‌ها را

نگاه ندارید! و کسی که چنین کند، به خویشتن ستم کرده است. (و با این اعمال، و سوء استفاده از قوانین الهی) آیات خدا را به استهزا نگیرید! و به یاد بیاورید نعمت خدا را بر خود، و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرده، و شما را با آن، پند می‌دهد! و از خدا بپرهیزید! و بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است (و از نیات کسانی که از قوانین او سوء استفاده می‌کنند، باخبر است)».

«فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَمُ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق/۲) «و چون عده آن‌ها سرآمد، آن‌ها را به طرز شایسته‌ای نگه دارید یا به طرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند».

مصادیق تقوا در دو آیه شریفه

الف- تصمیم برای رجوع به همسر یا جدایی از او بر اساس موازین متعارف

آیه شریفه دستور می‌دهد با زن طلاق داده شده، از روی عدالت و انصاف رفتار شود و عدالت نیز با یکی از دو کار تحقق می‌پذیرد: هر زمان که عده زن مطلقه رو به اتمام می‌رود، یا باید مرد او را به قید ازدواج خود برگرداند و هدفش از این کار اصلاح حال زن و حسن معاشرت با او باشد که این، همان امساک به معروف است، و یا او را رها سازد و متعرض وی نگردد و تمام حقوق او را پرداخت کند و این، همان تسریح به احسان است. (مغنیه، ۱۳۷۸: ۱/ ۶۱۴ و نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/ ۱۷۸).

نکته: مقدم شدن نگه داشتن همسر بر جدایی از او، در آیه شریفه اشاره به این مطلب دارد که با وجود تخییر میان این دو امر، نگه‌داری همسر، مورد رضایت خداوند بوده و به مقاصد شریعت نزدیک‌تر است. (نک: ابن عاشور، بی تا: ۲۷۷/۲۸).

ب - نهی از نگه‌داری زن به قصد آزار وی

آیه شریفه، مردان را از اینکه به قصد اذیت کردن زن، وی را در زندگی نگه‌دارند، نهی کرده است. این کار ممکن است به قصد طولانی کردن دوران عده یا تنگ گرفتن نفقه صورت گیرد. (نک: طبرسی، ۱۳۶۰: ۳ / ۲۲ و نک: طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۳۶).

نکته ۱- عنصر محوری در آیه شریفه، کیفیت رجوع مرد به زن است و اهتمام آن به صیانت حق زن معطوف است و از این رو، میان امر به امساک به معروف و نهی از اضرار جمع شده؛ سزایین جمع، این است که امر، مفید تکرار نیست و شامل تمامی اوقات نمی‌شود. به این معنا که ممکن است در زمان حال، او را به طرز صحیحی نگه دارد، ولی قصد ضرر زدن به او را در آینده داشته باشد. ولی نهی، شامل تمامی اوقات بوده، احتمال اضرار در آینده را نیز منتفی می‌کند. (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶ / ۴۵۳).

۲- واژه « اضرار » نشان می‌دهد که هر دو طرف در ضرر زدن با یکدیگر شریک‌اند، همانند مضاربه و مشامته [که به معنای زدن و دشنام دادن یکدیگر است] در حالی که ظاهراً مقصود، ضرر رسانیدن مرد به زن است و نه برعکس؟ پاسخ این است که خداوند بر مردی که به زنش ستم روا می‌دارد، خشم می‌کند، مردم او را مورد نکوهش قرار می‌دهند و نیز زن تصمیم می‌گیرد که با او مقابله به مثل کند. در اینجا است که زندگی زناشویی برای آن‌ها به صورت جهتمی درمی‌آید و چه بسا این اختلاف و دشمنی، دامن خویشاوندان را نیز در برمی‌گیرد و باعث به وقوع پیوستن حوادث ناگوار می‌گردد. (مغنیه، ۱۳۷۸: ۱ / ۶۱۴ و ۶۱۵).

برخی نیز معتقدند، باب مفاعله در کلمه « ضرار » که مصدری از آن باب است، بر مبالغه دلالت دارد. مبالغه در موردی که کمترین اضرار نیز مورد نهی است، به این معنا است که ضرر زدن به زنان با رجوع در طلاق، اندک آن هم زیاد است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۲ / ۱۱۲ و ابن عاشور، بی تا: ۲ / ۴۰۳).

ج - پرهیز از سوء استفاده از آیات الهی

مراد از آیات الهی در این آیه شریفه، احکام و قوانین خداست و استتزاز آن‌ها

می‌تواند اعتقادی و عملی باشد. اگر این استهزا ناشی از بی‌اعتقادی باشد، به ارتداد می‌انجامد. گاهی نیز شخص در مقام عمل، احکام الهی را به بازی می‌گیرد و در انجام آن‌ها کوتاهی می‌کند. در واقع، حق رجوع مرد برای تأمین مصلحت زندگی است و نباید دستاویزی برای آزار رساندن به زن شود. اگرچه اطلاق تقوا در آیه شریفه، شامل همه موارد می‌شود، لیکن نسبت به مورد آیه؛ یعنی رعایت پرهیزکاری در حقوق زن، روشن‌تر است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۱/۳۴۷ و ۳۴۹).

این تعبیر نیز می‌تواند اشاره به کارهای خلاف عصر جاهلیت باشد که رسوبات آن در افکار مانده بود. در حدیثی آمده است که در عصر جاهلیت بعضی از مردان هنگامی که طلاق می‌دادند، می‌گفتند: هدف ما بازی و شوخی بود و همچنین هنگامی که برده‌ای را آزاد یا زنی را به ازدواج خود در می‌آوردند. این احتمال نیز وجود دارد که آیه ناظر به حال کسانی باشد که برای اعمال خلاف خود، کلاه شرعی درست می‌کنند و ظواهر را دستاویز قرار می‌دهند. قرآن این قبیل کارها را نوعی استهزا به آیات الهی شمرده است. از جمله آن‌ها، همین مسئله ازدواج و طلاق و بازگشت در زمان عدّه است که شاید به نیت انتقام‌جویی از زن صورت گرفته باشد، ولی این‌گونه تظاهر شود که حق قانونی فرد، مورد استفاده قرار گرفته. (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲/۱۷۹).

حال در چنین فضایی می‌توان دریافت که امر به تقوا، جدا از اطلاقش، می‌تواند دستور به رعایت حال همسر در این شرایط و رعایت حقوق او و پرهیز از کارهایی باشد که اگرچه ظاهراً در چارچوب شرع می‌گنجد، ولی در واقع، مخالف روح دین بوده و در حقیقت دستاویزی برای اضرار به همسر است. از این رو، در پایان آیه شریفه هشدار داده که خداوند حتی از نیت و انگیزه‌های انسان در افعالش نیز آگاه است.

د- لزوم یادآوری نعمت‌های الهی

یکی از نعمت‌های خداوند سبحان این است که از خود ما برای ما همسرانی آفرید تا به وسیله آنان آرامش پیدا کنیم و در آنچه سبب خوشبختی و آسایش خانواده است، با آن‌ها همکاری نماییم. اگر ما به راستی ایمان به خدا داریم و در حقیقت از فرمان او

اطاعت می‌کنیم، باید برای تحقق این آرمان کار کنیم و از هر چیزی که بدبختی خانواده را در پی داشته و فضای صاف و صمیمی زندگی زناشویی را تیره می‌کند، دوری‌گزینیم. (مغنیه، ۱۳۷۸/۱:۶۱۵).

هـ- لزوم گواهی گرفتن دو شاهد عادل، بر رجوع یا جدایی مرد از همسرش
شهادت افراد عادل بر طلاق یا رجوع همسران، برای حفظ حقوق طرفین بوده، فوایدی دارد؛ از جمله اینکه مرد پس از طلاق، منکر آن نشده، یا زن بعد از اتمام عده، رجوع مرد را انکار نکند. همچنین بعد از موت یکی از آن دو، دیگری با ادعای زوجیت، طالب ارث نباشد. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۳/۲۰۷ و نک: قرشی، ۱۳۷۷: ۱۱/۲۰۸ و نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۴۶۰).

و- رعایت اخلاص توسط شاهدان طلاق یا رجوع همسران
وظیفه شاهدان این است که شهادتشان تنها برای خدا و اقامه حق باشد؛ چراکه شهادت، امانت نزد شاهد است و باید برای حفظ حقوق مردم، در موقع لزوم قیام به ادای شهادت نماید و چنانچه کتمان کرده یا خیانت و تحریف کند، گناه بزرگی مرتکب شده است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۶/۴۲۳). به تعبیر دیگر، این عمل صرفاً باید برای خدا بوده، منفعت طلبی شخص یا حب و بغض نسبت به یکی از طرفین نباید در آن دخالتی داشته باشد. (ابن عاشور، بی تا: ۲۸/۲۷۹).

۶- رعایت تقوا در نگه‌داری زمان عده طبق شرایط مختلف بانوان

در این آیه شریفه، وظیفه سه گروه از زنان در مورد میزان نگه‌داری عده تعیین شده و در پایان به کسانی که رعایت تقوا الهی را نمایند، وعده آسان شدن کارهایشان را داده است. با توجه به سیاق عبارت، رعایت احکام شرعی مربوط به دوران عده، مصداق تقواست. البته همان‌طور که گفته شد، مردان نیز تکالیفی در این دوران دارند که عمل به آن نیز نشانه تقواست.

﴿وَاللَّائِي يَسْنَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أَرْبَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ

يَحِضْنَ وَأَوْلَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (طلاق / ۴) «و از زنانان، آنان که از عادت ماهانه مأیوس اند، اگر در وضع آن‌ها (از نظر بارداری) شک کنید، عدّه آنان سه ماه است و همچنین آن‌ها که عادت ماهانه ندیده‌اند؛ و عدّه زنان باردار این است که بار خود را بر زمین بگذارند و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند، کار را بر او آسان می‌سازد».

مصادیق تقوا در آیه شریفه

الف- رعایت حکم شرعی زمان عدّه در زنان مأیوس از حیض

منظور آیه شریفه، زنانی است که اگرچه حیض نمی‌بینند، ولی در مورد علت آن دچار شک‌اند که این امر، به خاطر رسیدن به سن یائسگی یا به دلیل عارضه دیگری (از جمله بارداری) است. وظیفه شرعی این زنان این است که پس از طلاق، سه ماه عدّه نگه‌دارند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۶۱/۱۰ و طباطبایی، ۱۴۰۷: ۳۱۶/۱۹ و نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۴۳).

ب- رعایت حکم شرعی زمان عدّه در زنانی که هنوز حیض ندیده‌اند

برخی معتقدند، جمله «وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ» مربوط به زنانی است که در سنّ حیض دیدن‌اند، ولی هنوز حیض ندیده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۶/۱۹ و شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۱۱/۱۳) بعضی دیگر بر این عقیده‌اند که منظور آیه شریفه، زنانی هستند که به سن حیض دیدن نرسیده، ولی مانند دیگران حیض می‌بینند. در هر صورت، وظیفه آنان نیز نگه‌داشتن سه ماه کامل به عنوان زمان عدّه است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۶۱/۱۰).

ج- رعایت حکم شرعی زمان عدّه در زنان باردار

وظیفه زنان باردار پس از طلاق این است که تا زمان وضع حمل خود، عدّه نگه‌دارند. (همان و طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۶/۱۹) از مجموع دستورها و رهنمودهای خداوند درباره عدّه زنان و شمارش دقیق آن - به ویژه درباره زنان یائسه‌ای که صرفاً احتمال داده شود با نطفه همسران قبلی خود باردار شده‌اند - اهتمام اسلام به روشن بودن نسب‌ها و

پیوندهای خویشاوندی میان انسان‌ها به دست می‌آید. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۹/۱۰۷).

۷- رعایت تقوا در شرایط چند همسری

یکی از احکامی که در شریعت اسلام وجود دارد، جواز چند همسری برای مردان است که بر اساس حکمت‌ها و مصالحی تشریح شده که در جای خود مورد بحث قرار گرفته است. آنچه در این نوشتار حائز اهمیت می‌باشد، این است که وجود بیش از یک همسر برای یک مرد، خود، زمینه‌ساز بروز مشکلاتی است که راه برون رفت از آن، آشنایی با حقوق هریک از همسران است که رعایت آن می‌تواند از مصادیق تقوا باشد.

«وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُضِلُّوهَا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً» (نساء/ ۱۲۹) «شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هرچند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را به کلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به صورت زنی که شوهرش را از دست داده، درآوردید! و اگر راه صلاح و پرهیزکاری پیش گیرید، خداوند، آمرزنده و مهربان است».

مصادیق تقوا در آیه شریفه

الف - رعایت عدالت در حقوق همسران

رفتار عادلانه با زنان بر دو نوع است: یکی مقدور است؛ همانند برابری در نفقه دادن و خوش‌گفتاری. دیگری مقدور نیست؛ مانند محبت و تمایل قلبی و حتی جماع و نزدیکی کردن؛ چراکه ممکن است مرد به یکی از زن‌ها نشاط و حرکتی داشته باشد که آن را به دیگری ندارد. مقصود از عدالت میان زنان، عدالت در انفاق است؛ زیرا این کار مقدور است؛ اما عدالت در محبت و امثال آن که در اختیار انسان نیست، خدا او را مکلف نساخته است. (همان: ۲/ ۷۱۳ و نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/ ۱۵۴).

ب - عدم گرایش کامل به یک همسر و روی‌گردانی از دیگری

برای اینکه مردان از حکم آیه سوء استفاده نکنند، در ادامه آیه می‌فرماید: اکنون که

نمی‌توانید مساوات کامل را از نظر محبت میان همسران خود رعایت کنید، دست‌کم همه تمایل قلبی خود را متوجه یکی از آنان نسازید که دیگری به صورت بلا تکلیف درآید و حقوق او نیز در عمل ضایع شود. به عبارت دیگر، او را مانند زن بی شوهر معلق نگذارید، به گونه‌ای که به جهت عدم رعایت حقوق زوجیت، نتوان او را زن همسر دار دانست و به دلیل وجود علاقه زوجیت، نتوان بر او اطلاق زن مطلقه نمود. (نک: همان: ۱۵۴ و نک: مغنیه، ۱۳۶۳: ۲/۵۹۷).

ج - جبران خطاهای گذشته و عدم تکرار در آینده

برخی معتقدند، مقصود از جمله «وَإِنْ تُصَلِّحُوا وَتَتَّقُوا» این است که اگر آنچه از حقوق زنان در گذشته تباه نموده‌اید، اصلاح کنید و از انجام دوباره آن در آینده پرهیزید، خداوند آمرزنده گناهان گذشته بوده، با رحمتش، توفیق طاعت در آینده را اعطا خواهد فرمود. (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱/۵۹۷)

۸- رعایت تقوا در فتنه اولاد

«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ - فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَضَعْتُمْ...» (تغابن / ۱۵ و ۱۶). «اموال و فرزندانان فقط وسیله آزمایش شما هستند و خداست که پادشاه عظیم نزد اوست! پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید...».

آیه مورد بحث به یک اصل کلی در مورد اموال و فرزندان اشاره کرده و آن‌ها را وسیله آزمایش انسان می‌داند. در واقع، خداوند برای تربیت انسان، همواره او را در کوره‌های داغ امتحان قرار می‌دهد، و با امور مختلفی او را می‌آزماید، اما این دو (اموال و فرزندان) مهم‌ترین وسایل امتحان او را تشکیل می‌دهند؛ چراکه جاذبه اموال از یک سو و عشق و علاقه به فرزندان از سوی دیگر، چنان کشش نیرومندی در انسان ایجاد می‌کند که در مواردی که رضای خدا از رضای آن‌ها جدا می‌شود، انسان سخت در فشار قرار می‌گیرد. تعبیر به «إنما» که معمولاً برای حصر آورده می‌شود، نشان می‌دهد که این دو موضوع، بیش از هر چیز دیگر وسیله امتحان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۰۶).

فرزند از این رو سبب آزمایش است که والدین باید در تغذیه سالم فرزند، محبت به او، نظارت بر تعلیم و تربیت وی، ازدواج، اشتغال و گرایش‌های گوناگون او کمال دقت را داشته باشند که عبور از تمام این مراحل، امتحانی سخت است. البته اگر والدین وظیفه خود را به خوبی انجام دهند و از عهده آزمایش برآیند، در همه کارهای خوب فرزند شریک خواهند بود. (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۰/۸۹).

با عنایت به این مطلب که دستور رعایت تقوای الهی پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد داده شده (با فاء تفریع به آن عطف گردیده) می‌توان دریافت که رهایی انسان از دل‌بستگی به امور دنیایی که از جمله آن اولاد است، از مصادیق رعایت تقوا به شمار می‌آید.

نتیجه

از رهگذر این تحقیق به دست آمد که واژه تقوا اگرچه در معنای مطلقش شامل انجام تمامی اوامر الهی و ترک نواهی او می‌باشد، اما با تتبع در آیات قرآن می‌توان دریافت که در موارد مختلفی که امر به تقوا صورت گرفته و یا به هر نحوی به آن توصیه شده، مصادیق خاصی مورد نظر است که با توجه به سیاق و مسائل مطرح شده در آیه شریفه، قابل دستیابی است. از طرفی، این بررسی نشان داد که توصیه به تقوا در این آیات بیشتر در مواقع بروز مشکل است که رعایت آن می‌تواند نقش چشم‌گیری در کاهش مشکلات داشته باشد. از تأمل در آیات مربوط به بحث خانواده که در این نوشتار به آن پرداخته شد، مصادیقی از تقوا به دست آمد که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

عدم تعدی از حدود الهی در رابطه زناشویی، بازیچه قرار ندادن زنان، بهره‌گیری از روابط زناشویی در جهت ذخیره‌سازی اعمال خیر برای آخرت، مدیریت درست خانواده در تمامی ابعاد، رعایت حقوق فرزند در دوران شیردهی و عدم سوء استفاده پدر و مادر از کودک برای رسیدن به خواسته خود، گذشت از برخی حقوق شخصی، پرهیز از اشاعه اختلافات خانوادگی به بیرون خانه، تلاش برای صلح قبل از نزاع، پرهیز از بخل در

چشم‌پوشی از برخی حقوق، لزوم اجرای صیغه طلاق در شرایط تعیین شده، لزوم نگه‌داری عده طلاق با توجه به شرایط متفاوت زنان و شمارش دقیق آن، عدم تغییر محل سکونت زنان در زمان عده توسط مرد، عدم ترک منزل در این دوران توسط زن، عدم تسامح در احکام طلاق و عده، تصمیم برای رجوع به همسر یا جدایی در انتهای زمان عده بر اساس موازین متعارف، پرهیز از سوء استفاده از آیات الهی در این شرایط، گواه گرفتن دو شاهد عادل برای طلاق یا رجوع پس از طلاق، اخلاص شهود در شهادت دادن، رعایت عدالت در حقوق همسران یک مرد، عدم گرایش کامل به یک همسر، اعراض از دیگری و جبران خطاهای گذشته و عدم تکرار آن در آینده و عدم دل‌بستگی به مال و فرزند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ج ۲، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
۲. نهج البلاغه. ترجمه دشتی. ج ۱، قم: مشهور، ۱۳۷۹ ش.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنوير، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۴. ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۵. تهانوی، محمد بن علی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم: علی دحروج، ج ۱، بیروت: لبنان، ناشرون، ۱۹۹۶ م.
۶. جرجانی، علی بن محمد، التعريفات. لبنان، دارالکتاب العلمیه، ۱۴۰۳ ق.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم. قم: الاسراء، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹.
۸. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان: محمد باقر بهبودی، ج ۱، تهران: کتاب‌فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالشمایه، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. ج ۳، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری. تهران: میقات، ۱۳۶۳.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، ج ۳، ۱۳۷۲.
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت، ج ۲، ۱۳۷۵.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار احیاء التراث

- العربی، ج ۲، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتاب الإسلامیه، ج ۱۰، ۱۳۷۱.
۱۷. مغنیه، محمدجواد، *ترجمه تفسیر کاشف*، ترجمه موسی دانش. قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ج ۱، ۱۳۷۸.
۱۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر، *تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن*. قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) ج ۱، ۱۳۸۶.